

بانگ آزادی

ارگان مرکزی

سازمان اتحاد برای دموکراسی در ایران

(تأسیس: آذر ۱۳۷۶)

فروردین ۱۳۷۷

شماره ۳ - ۴ - ۵

فهرست

- | | |
|----|--|
| ۲ | - موارد نقض میثاق بین المللی در ایران |
| ۲ | - گذشته شدن موسی حیدرزاده پس از ۱۲ سال حبس |
| ۳ | - شیوه مبارزه |
| ۴ | - نامه یک دوست - لاله |
| ۴ | - چند پیشنهاد برای گسترش کار - ح ۰ ارزو |
| ۵ | - بیابانه وین مصوب کنفرانس جهانی حقوق بشر |
| ۶ | - احزاب برای تشکیل احتیاج به اجازه ندارند |
| ۶ | - مشرقات و نویبرامون حداقل رفتار با زندانیان |
| ۷ | - شاخصهای اساسی حقوق بشر |
| ۷ | - نامه ای از کرستان - محمد کردی |
| ۸ | - نامه چند نفر از کارگران چاپخانهها |
| ۹ | - فوجیای قدرت در نظامهای بسته - مظفر |
| ۱۰ | - عدم اعتبار رفتار نونی دادگاه ویژه روحانیت -
ایمان الله حسینعلی منتظری |
| ۱۱ | - لایحه تخلفات اداری و نقض آزادیهای اساسی |
| ۱۱ | - نامه ای از مجله شماره دو - ولی پیرنیا |
| ۱۱ | - در دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در کدور |
| ۱۲ | - مندور حقوق سندیگانی مصوب ۱۹۵۴ |

آدرس: تهران، صندوق پستی ۳۱۵-۱۳۴۴۵

بهای نشریه: ۴۰۰۰ ریال

موارد نقض میثاق بین‌المللی

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران

ماده سوم میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی اشعار می‌دارد که «کشورهایی طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تسایر حقوق زنان و مردان را برسانند» از کلیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقدربراین میثاق تأمین نمایند. ماده دوم هم آمده که دولت‌های عضو بایستی حقوق مذکور در این میثاق را «بموجب هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هرگونه عقیده دیگر، اصل و منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا هروضعیت دیگر، تضمین نمایند»

ولی برلانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق اساسی مردم تابعی است از مسائل اقتصادی و مذهبی موقعیت ولی فقیه، برلرازان قوای مقننه، مجریه و قضائیه، عمودی است از نظام مذهبی - روحانی حاکم بر ایران که از اساس بر تبعیض حقوقی نهاده شده و نه برتساوی حقوق

۱ - حق کار

گذشته از اینکه بسیاری از مشاغل و مناصب عمومی درانحصار روحانیون است ولی فقیه، سرپرست قوه قضائیه، فقهای شورای نگهبان، اعضای مجلس خبرگان، رؤسای دادگاههای دادگستری، ایرانیان غیرمسلمان شهروند درجه دوم به شمار می‌آیند و از اشتغال درسازمانهای عمومی و اداره‌های دولتی محرومند

به عنوان نمونه، شش‌ماهه نهم دیوان عدالت اداری، درحکم مورخ ۱۳۴۹/۳/۳، وابستگی به «فرقه ضاله بهائیت» را به منزله کفر تلقی کرده و موجب محرومیت از اشتغال درسازمانهای دولتی دانسته و تأکید نموده که «چون شاکلی وابستگی خود به این فرقه را انکار نکرده است، شکایت از مرید است»

براین اساس، بیش از ده هزارعزایی از سازمانهای دولتی و کابرام آموزشی وزارت آموزش و پرورش، اخراج شده‌اند. همین اینکه درحال حاضر هیچگونه حقوق یا فزایشی دربرای نمایندگان به علاوه به بسیاری از اخراج شدگان اختلا کرده‌اند که مطالبی را که طی سالیان خدمت خود به عنوان حقوق و پاداش دریافت نموده‌اند، به صندوق دولت مسترد دارند

از طرف دیگر، برایکمی‌های استخدام درسازمانهای دولتی و قوای نظامی و انتظامی، که در روزنامه‌ها انتشار می‌یابند، یکی از شرایط استخدام، مسلمان بودن است.

۲ - حق تشکیل انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی و حرفه‌ای

حق تشکیل انجمن‌های اجتماعی و حرفه‌ای که درماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیش‌بینی شده، همچنان در ایران رعایت نمی‌شود. دولت جمهوری اسلامی علاوه بر احزاب و سازمانهای سیاسی، فرهنگی و اتحادیه‌های صنفی مستقل از حکومت را تعطیل و ممنوع کرده است. کانونهای اجتماعی و اتحادیه‌های مجاز، همگی وابسته به حکومت یا نهادهای طرفدارحکومتند به موجب اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی و احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های بینی شناخته شده آزادند. مشروط بر اینکه اصول استقلال، ارادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. و این ارگانهای گوناگون جمهوری اسلامی‌اند (ولی فقیه، شورای نگهبان، دادگاههای انقلاب اسلامی) که مفاهیم مجرد و مبهم «موازین اسلامی» و «اساس جمهوری اسلامی» را تعریف و تبیین می‌کنند و نه مرجع مستقل و غیرجانبدار نسبت به حکومت.

درتند در ماده ۸ میثاق، حق اعتصاب به عنوان یکی از تضمین‌های حقوق کارگر، قید شده است. اما این حق نه برلانون اساسی و نه برلانون کار جمهوری اسلامی ایران شناخته شده و اعتصاب به عنوان اقدامی غیرقانونی و درخورد مجازات تلقی می‌شود.

۳ - حق آموزش و پرورش

آموزش و پرورش، به ویژه آموزش عالی هم دستخوش تبعیض‌های مذهبی و عقیدتی است. داوطلبان تحصیل در دانشگاهها و مدارس عالی بایستی از صافی دانستنیهای مذهبی رد شوند و مخالف رژیم جمهوری اسلامی نباشند. مجلس اسلامی قانونی را تصویب کرد که به موجب آن ۲۰٪ از کتجایش دانشگاهها و مدرسه‌های عالی، به معلولان جنگی و خانواده‌های شهید اختصاص یابد. موارد محرومیت از ادامه تحصیل و اخراج از دانشگاهها به دلایل عقیدتی - سیاسی بسیاریاند.

تبعیض مذهبی - عقیدتی درباره بهائیان شدید تر است. بهائیان از تحصیل در دانشگاهها و مدرسه‌های عالی محرومند. دانش‌آموزان بهایی می‌توانند در دبستانها و

دبیرستانهای عمومی تحصیل کنند. مشروط بر اینکه وابستگی مذهبی آنان مخفی و متکرم معاند و در غیر اینصورت از ادامه تحصیل محروم می‌شوند.

۴ - وضعیت زن ایرانی

زنان ایرانی گذشته از اینکه مجبور و محکوم به رعایت حجاب اجباری، با تبعیض‌های حقوقی گوناگونی در زمینه حقوق مدنی و اجتماعی و فرهنگی روبرو هستند. ارزش گواهی نوزن برابر ارزش شهادت یک مرد است. سهم الارث نوزن مساوی با سهم الارث یک مرد است. ختن‌بهای نوزن برابر با ختن‌بهای یک مرد است. بر ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است که «انواع باید با رضایت ارادانه طرفین که قصد آزاداند، واقع شود» اما به موجب تبصره ۱ ماده ۱۲۱، قانون مدنی ایران، سن بلوغ برپسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است. و برطبق تبصره ماده ۱۰۶۱، همان قانون، عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است. یعنی اینکه در جمهوری اسلامی ایران، از نوع دختران نه ساله و کمتر از نه ساله تجویز شده است. اطلاق حق انحصاری شوهر است. ولایت فرزندان حق انحصاری پدر و برصورت فوت پدر حق پدر بزرگ است و نه مادر. کارکردن زن مستلزم اجازه شوهر است. خروج زن شوهردار از ایران هم موقوف به اجازه شوهر است. زن نمی‌تواند قاضی شود. در رشته‌های معنی و کشاورزی تحصیل کند. زن و مرد در محافل و مجامع و در وسایل نقلیه عمومی از یکدیگر جدا نگاه داشته می‌شوند. دزدان زنان هم باید با رعایت حجاب اسلامی باشد و بسیاری از رشته‌های دزدی برای زنان ایرانی ممنوع اعلام شده‌اند. مسابقات اخیر زنان کشورهای اسلامی آسیایی در تهران نمونه ناز این وضعیت بود.

نتیجه‌گیری

با وجود گزارشهای فریبنده و نطق‌های اغوا کننده نمایندگان جمهوری اسلامی بر مراحق بین‌المللی، دولت جمهوری اسلامی ایران به نقض میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همچون سایر موازین و مقررات بین‌المللی حقوق بشر، ادامه می‌دهد. قانون اساسی جمهوری اسلامی در ذات و ماهیت خود بر تبعیض عقیدتی - مذهبی نهاده شده و از ابتدا با اعلاب جهانی حقوق بشر و میثاق‌های تکمیلی آن تضاد ماموی دارد. ایستکه طی ماه‌های اخیر، بلندگوهای جمهوری اسلامی از انواع حقوق بشر، با توجه به فرهنگها و مذاهب گوناگون، سخن می‌رانند. اما کمیسیون حقوق بشر، کمیته حقوق بشر و به ویژه سازمانهای غیردولتی دفاع از حقوق بشر خصیصه جهانی بودن حقوق بشر را به عنوان ارزش والای خانواده بشری شناخته‌اند و این دولت‌ها مستند که بایستی بربراین نظام ارزشی سر تمکین فر آورند.

کشته شدن موسی حیدرزاده پس از ۱۲ سال حبس

موسی حیدرزاده در سال ۶۰ به اتهام هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران دستگیر و به مدت ۱۲ سال در زندان دوران محکومیت خود را گذراند و در ۲۲ آزاد شد. در سال ۱۳۳۳ به نیروهای سازمان مجاهدین خلق ایران در خاک عراق پیوست. در روز ۱۰ اسفند ۱۳۷۶ به همراه تعداد دیگری از یاران، در درگیری حاشیه مرزی با نیروهای جمهوری اسلامی کشته شد.



از آنجا که اولاً قانون اساسی دارای نقایص جدی است و بسیاری از اصول آن (بویژه در رابطه با نوع و شکل حاکمیت و رابطه آن با مردم) با اصل حاکمیت واقعی مردم مغایرت آشکار دارد. ثانیاً برخی از مفاهیم موجود در قانون اساسی، هنوز به طور دقیق تعریف نشده‌اند که موجبات نقض حقوق انسانی را فراهم می‌سازد (مانند مفاهیم زندانی سیاسی - توسطه علیه امنیت نظام - اخلال در مبانی اسلام) ثالثاً حاکمیت نه فقط حقوق و اساسی و دموکراتیک بشر مصرحه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بلکه حتی حقوق ملت مصرحه در قانون اساسی را رعایت نمی‌کند. رابعاً نه تنها احزاب سیاسی بلکه سازمانهای صنفی دموکراتیک مستقل امکان حضور در جامعه را ندارند تمامی اقدامات آنها زیر کنترل شدید مقامات امنیتی کشور قرار دارند و در پیوند مؤثر و آگاهانه و بی‌گناهی آنها با مردم محدود و پنهانی شدید اعمال می‌شود. لذا سراف و تنها از طریق مبارزه علنی - قانونی و با مطلق کردن این شیوه مبارزه نمی‌توان به هدف برقراری دموکراسی در کشور دست یافت. آنجا که یک حاکمیت نامی یا بخش مهمی از اهرمها و کمانهای مبارزه سیاسی علنی با قانونی را از بین برد و اعتراضات مردم را سرکوب کند و آنجا که حاکمیتی که باید محرز قانون باشد خود ناقض اصلی قانون شود و مدعیان پاسداری از حقوق قانونی ملت به آشکارترین و خشن‌ترین شکل ممکن حقوق ملی را نقض کنند، دیگر نمی‌توان و نباید دست مردم و نیروهای آزاداندیش را در دفع از حقوق و خواستها و آزادیهای اساسی خودشان بست و آنها را مقید کرد تا در یک چارچوب تعیین شده از جانب حاکمیت یا تنها به شکل علنی - قانونی فعالیت کنند. تلفیق اشکال متنوع مبارزه سیاسی در راستای تقویت جنبش دموکراتیک میهن ضروری است. البته در شرایط کنونی می‌توان یک مبارزه سیاسی علنی - قانونی را نیز برای ایجاد فضای باز سیاسی در کشور تا اوج بخشد. می‌توان از امکانات علنی و قانونی مبارزه برای تبلیغ و ترویج آرمانهای دموکراتیک، ارتباط هرچه وسیعتر با مردم، ارتقاء آگاهی سیاسی و اجتماعی و فرهنگ مردم، ایجاد تشکلهای و سازمانهای سیاسی و صنفی دموکراتیک مستقل، انشای موارد نقض حقوق و آزادیهای دموکراتیک در جامعه برای مردم، انتشار نظرات و دیدگاههای سیاسی و اجتماعی خود در میان مردم، هدایت اعتراضات مردم به سمت صحیح و ارتقاء سطح مبارزاتی آنها در جهت تحقق خواستههای دموکراتیک، ایجاد ارتباط میان نیروهای آزاداندیش، جلب هرچه بیشتر مردم به مشارکت سیاسی در جامعه استفاده کرد. اجرای اصول مربوط به حقوق ملت مصرحه در قانون اساسی، گامی مهم در راستای باز شدن فضای سیاسی کشور می‌باشد. زیرا که شرایط نسبتاً مناسبی برای نیروهای آزادیخواه فراهم می‌آورد تا با هراسی کمتر از دی بیشتر و ابتکار عمل بهتر فعالیت کنند و از این شرایط و امکانات به عنوان یک سکوی پرش برای کسب دستاوردهای بیشتر و ایجاد فضای باز سیاسی استفاده کنند. از اینرو مبارزه برای تأمین حاکمیت قانون و اجرای اصول در برگیرنده حقوق و آزادیهای اساسی ملت مصرحه در قانون اساسی می‌تواند از نخستین مؤثرترین اقدامات تاکتیکی نیروهای سیاسی آزادیخواه باشد که پیش از هر چیز به موفقیت آتی استراتژی کمک می‌کند. هدف این تاکتیک، تضعیف حکومت مطلقه فردی، تحکیم حاکمیت قانون بجای حاکمیت هرج و مرج، باز شدن نسبی فضای سیاسی و اجتماعی، فراهم شدن شرایط مناسبی برای مشارکت نسبی سیاسی و اجتماعی مردم در تعیین سرنوشت کشور، می‌باشد. اجرای اصول در برگیرنده حقوق و آزادیهای اساسی ملت مصرحه در قانون اساسی به این معنی است که: کلیه قوانین، آئین نامه‌ها و بخشنامه‌های مصوبه هر یک از سه قوای کشور یا هر نهاد دیگری که با قانونی اساسی مغایرت دارد لغو گردد. کلیه نهادها و ارگانهای مانند دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت که وجود آنها در قانون اساسی پیش‌بینی نشده است منحل شوند. همه افراد و نهادها خود را در برابر قانون و در مقابل مردم پاسخگو بدانند و برای همه افراد مسئول و حتی رهبر در برابر قانون با تمامی شهروندان کشور اجرا شود. اصل ۱۴ قانون اساسی که تأکید بر رعایت حقوق غیرمسلمان در کشور دارد رعایت گردد. اصل ۶ قانون اساسی که اعلام می‌دارد امور کشور باید به نفع همه آراء عمومی از راه انتخابات یا همه‌پرسی اداره شود، اجرا گردد. هر قانون و بخشنامه‌ای که اختیارات و قدرتی بر خلاف قانون اساسی به شورای نگهبان یا هر نهاد دیگری برای دخالت در امر انتخابات داده است لغو گردد. اصل ۱۰۰ قانون اساسی که مربوط به تشکیل شوراهای منتخب مردم در روستا، بخش، شهر، شهرستان و استان می‌باشد و تاکنون در هیچ جا به مرحله اجرا گذاشته نشده است، اجرا شود. اصول ۱۹ تا ۴۲ در فصل سوم مربوط به حقوق ملت و نیز اصول ۱۶۵ تا ۱۶۷ در فصل یازدهم قانون اساسی، بدون هیچگونه قید و شرطی اجرا شود. به موجب این اصول همه افراد ملت در مقابل قانون برابر خواهند بود، مردم ایران صرفنظر از قوم و قبیله، رنگ، نژاد، زبان باید از حقوق مساوی در جامعه برخوردار گردند، حیثیت و جان و مال و مسکن و شغل افراد از تعرضات غیرمستولانه معصوم، دخالت در امور داخلی و زندگی خصوصی افراد و بازرسی و کنترل غیرقانونی مکاتبات و مکالمات تلفنی و مخابرات شهروندان ممنوع و امنیت شخصی افراد باید تأمین شود، نقیض عقاید و سانسور ممنوع گردد، آزادی عقیده و بیان و قلم و آزادی نشریات و مطبوعات باید تأمین شود، بازداشت‌های غیرقانونی و خودسرانه و اعمال شکنجه‌های جسمی و روحی علیه متهم برای کسب اعتراف یا اقرار ممنوع گردد، برای هر متهم حق برخورداری از دادگاه علنی و مستقل و بیطرف و نیز حق انتخاب آزادانه وکیل مدافع رعایت شود، جرایم مطبوعاتی و سیاسی باید به صورت علنی و در حضور هیأت منصفه برگزار شوند، احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانونی باشند، اصل برت رعایت گردد، هر عمل مغایر با شأن و حیثیت و اعتبار انسانی بر علیه متهم و زندانی ممنوع شود. تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها آزاد گردد، آزادی فعالیت احزاب و جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی باید تأمین شود. وادار کردن همین حاکمیت به تبعیت از قانون اساسی و اجرای اصولی از همین قانون که حقوق اساسی مردم را به رسمیت شناخته و تضمین کرده است، یک موفقیت بزرگ برای نیروهای آزادیخواه در راه تضعیف سلطه استبداد دینی می‌باشد.

به نظر من، هر نوع فعالیت سیاسی مسالمت آمیز که موجب تقویت ارتباط و برقرارگفتگو و ایجاد تفاهم میان نیروهای آزادیخواه و ایجاد و تحکیم اتحاد عمل میان آنها شده، یا امکانی فراهم آورد تا این نیروها بتوانند نظرات و برنامه‌های خود را به میان افکار مختلف آن بیاورند و نیز ارتباط دائمی و پویا و زنده و محکم آنها با توده مردم را برقرار سازد، سبب افزایش قدرت تشکیلاتی و انسجام بیشتر آنها شود، اعتبار این نیروها در سطح جامعه را افزایش دهد و تناسب قوا را از لحاظ کمی و کیفی به سود نیروهای آزادیخواه تثبیت و تحکیم نماید؛ و نیز بتواند مردم را به مبارزه علیه استبداد و نابرابری و به خاطر آزادی و عدالت اجتماعی و رفع بحران اقتصادی و ناسامانی‌های اجتماعی تشویق و تهنیت کند. اعتراضات و مبارزات مردم را در عرصه‌های مختلف هدایت و رهبری کند، و به استبداد ضربه اساسی و قشمی وارد سازد و موجب تأمین آزادی و فضای باز در کشور شود... می‌تواند به مرحله عمل درآید. شعارها و خواستههای دموکراتیک باید به میان توده‌های مردم بیرون آید و آنگاه به یک قدرت مادی تبدیل شوند. برای افزایش قدرت بسیج و هدایت و ارتقاء مردم، باید به فعالیت‌های اجتماعی توده‌ای گسترده روی آورد. باید سعی کرد تا در هر محیطی از کار و زندگی و تحصیل و محیط‌های آموزشی و فرهنگی و هنری و ورزشی و ادبی و تفریحی و سرگرمی و... در هر جایی که توده‌ها حضور دارند، ارتباط زنده و پویا و ارگانیک را با توده‌ها برقرار ساخت.

هدف از کار توده‌ای عبارت است از ارتقاء آگاهی سیاسی و اجتماعی توده‌ها و بالا بردن سطح فرهنگ آنها - ارتقاء درک آنها از دموکراسی و اهمیت و ضرورت تأمین دموکراسی در جامعه و تشویق روحیه فرهنگ دموکراتیک مردم - تثبیت اعتقاد واقعی به حقوق انسانی و احترام به شأن و مقام انسانی و ضرورت رعایت آن در زندگی روزمره در میان مردم ارتقاء شناخت و درک نیروهای سیاسی از روحیات و تفکرات و خواستها و نیازهای مردم و تشخیص صحیح اوضاع و شرایط جامعه - افزایش توان بسیج و رهبری توده‌ها در روند زندگی و کار روزمره و هشیگی با توده‌ها.

به اعتقاد من مناسب‌ترین، بهترین و مطلوب‌ترین شیوه مبارزه نیروهای آزادیخواه کشور برای تحقق اهداف دمکراتیک خود، مبارزه‌ای سالم است که با بهره‌گیری از اعمال خشونت کور و درگیری مسلحانه است. به اعتقاد من منشی سیاسی صحیح یعنی است بر تقویت ارتباط با مردم، روشنگری و ارتقاء آگاهی مردم، ترویج ایده‌های دمکراتیک در جامعه، سیج و تشکل توده‌ها برای تحقق حوسنها و مطالبات دمکراتیک و عدالتخواهانه، و تلاش برای اتحاد همه نیروهای آزادیخواه و تقویت مبارزه همه جانبه آنها. به نظر من منشی صحیح و خردمندانه سیاسی می‌تواند که از جنبشها، اعتصابات، تظاهرات و اعتراضات سالمیت‌آمیز انشاز مختلف مردم که برای تأمین حقوق و آزادیهای دمکراتیک در جامعه، علیه استبداد حاکم، در دفاع از منافع و خواستههای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و صنفی خود، تأمین عدالت اجتماعی، در دفاع از صلح صورت پذیرد، با تمام نیرو حمایت شود اما از حرکتها و اقدامهایی که می‌تواند به گسترش تروریسم و ایجاد جنگ داخلی در کشور منجر گردد، حمایت نشود. هر فرد و نیرویی می‌تواند از هر امکانی و از هر فضای برای شرکت در امور سیاسی و اجتماعی میهن خود بهره‌جوید و بر علیه بی‌عدالتی و استبداد اعتراض نماید. انشاز مختلف مردم به اشکال متنوعی و در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ... می‌تواند خواستههای خود را مطرح و برای تحقق آنها تلاش کند. ارسال نامه‌های شکواییه و دادخواهانه، درخواستهای کتبی، جمع‌آوری امضاء برای خواستههای سیاسی یا صنفی، انشاز جزوات حاوی اخبار اعتراضات مردم و موارد نقض حقوق بشر در جامعه به همراه تحلیلهای سیاسی روز با ارائه رهنمودهای واقع‌بینانه و عملی، مراجع دسته‌جمعی یا انفرادی به مقامات و نهادهای گوناگون، تحصن، دست از کار کشیدن، راهپیمایی اعتراضی، از اقدامات مؤثر و اشکال متنوع حرکات اعتراضی مردم می‌باشد. هیچکدام از این اشکال مبارزه را نمی‌توان مطلقاً رد کرد یا به طور مطلق آنها را پذیرفت بلکه باید دید هر یک از این اقدامات تا چه حد در خدمت به جنبش دمکراتیک میهن تأثیر دارد. مردم و نیروی آزاداندیش می‌تواند برای باز شدن فضای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور، از هر امکان و فرصت و موقعیتی و از هر کانال مناسب و شایسته‌ای برای حرف زدن، نوشتن، بیان و ابراز اعتقادات و انشادات و فشارگری استفاده کند. تا میدان خالی نماند. اگر راست است که حقوق اساسی مردم و نیروهای آزادیخواه نقض می‌شود، که می‌شود و اگر درست است که حق‌گرفتنی است که واقعه‌ها همین گونه است پس باید حق را گرفت. در دفاع از حقوق انسانی و دفع تجاوز به این حقوق، مردم و نیروهای آزادیخواه با اتکاء به حق دفاع مشروع خود، می‌توانند مقاومت کنند. شکل مقاومت می‌تواند قاطع، پیگیر و جدی و در عین حال سالمیت‌آمیز و به دور از خشونت کور باشد. می‌توان در این روند مبارزه از همه اشکال و شیوه‌ها و ابتکارات مبارزه سیاسی سالمیت‌آمیز بهره‌جست.

نامه یک دوست

سلام

دوستان گرامی!

ضمن سلام، نشریه شما را مطالعه کردم، خوشحالم از اینکه باز هم کسانی مانده‌اند که از آزادی و حقوق بشر و مبارزه و... می‌گویند. راهی دراز در پیش است و هنوز میلیونها نفر (حداًقل ۷/۰۰۰/۰۰۰) نفر حتی رفرمیسم پوسیده و جناح مقابل رقیب خود در حکومت را قبول ندارند و این تعداد چنان هنوز وزنه سنگینی است. آیا سپرهای مقاوم سفارش داده‌اید؟

من که سرم از بس شکسته است عادت کرده‌ام ولی تا کسی نباید روشنفکران سازمان و حزب و... بسازند و به خاک و خون کشیده شوند. شماها زندان (میهمان این آقایان) بوده‌اید؟ حاج فلان و حاج بهمن‌ها را می‌شناسید؟ برای کاری چنین سترگ اعتماد مردم ضروری است. ولی مردم بسیاری از "مدعیان آزادیخواهی" را قبول ندارند. مقصر نیستند، چون آنها برایشان کاری نکردند. حالا همه نشسته‌اند و به "جنگ زیابها" دل خوش کرده‌اند و متأسفانه هنوز آلت‌رناتیوی موجود نیست تا حداقل از این "تضاد"، سوء استفاده" یا "استفاده" ببرد.

راستی نمی‌توسید با خرافات و جهل در جامعه طرف شوید. سبیل افراد ناآگاه خانه برانداز است، البته ما خانه‌ای نداریم، ولی به خانه‌های دیگران احترام می‌گذاریم!!

پیروز باشید

چند پیشنهاد برای گسترش کار

ح. آرزو

۱- برای شروع یا بهتر است بگویم آغازی جدید در شرایط موجود، "مرامنامه موقت" لازم به نظر می‌رسد برای عملی ساختن مرامنامه ارائه شده، از هفته‌نامه، ماهنامه، ... و اعلامیه باید کمک گرفت تا جو و فضای

علنی شدن با آگاهی بیشتر و بهتر در آگاهی توده‌ها و مردم "جا بگیرد و پشتیبان بیابد.

۲- از افراد و اشخاص در شهرستانها - که مراکز و افراد و مجالس و انجمن‌ها را می‌شناسند و می‌دانند که می‌توانند، مرامنامه را برای مطالعه به آنها پیشنهاد دهند که اگر خواستند خود آنها "فردی یا جمعی" آنها مورد نقد و بررسی قرار دهند.

۳- با آگاهی از فضای موجود بسیاری از هواداران سازمانها دموکراتیک که بنا به دلایلی، اینک بیشتر الف: منفعل شده‌اند

ب: ذهن‌گرا، گذشته‌گرا، قهرمانگرا، افسانه‌سرا، ... شده‌اند.

ج: زده شده‌اند و پناه به "زن، مخدر، پول، مقام و ..." برده‌اند.

د: روانی شده‌اند و به انواع مختلف برون‌فکنی می‌کنند (شرم دارم از بیان بعضی موارد)

ه: کسی یا کسانی را نمی‌شناسند که نوری روزنی را نشان آنها بدهند.

و: عاشق عدالت و آزادی هستند ولی مطالعه، آگاهی، تجربه، درسی، ... ندیده‌اند. و مشتاق راهنمایی و مربی و معلم‌اند.

ز: در فضای دانشگاهها و حتی دبیرستانها، محیط مطلوب با ارائه برنامه و سمت و سوی مشخص، جای "عدالت و آزادی" خالی‌ست.

و ...

بنده به عنوان یک علاقمند به "هنر و ادبیات" و عاشق آرمان "عدالت"، با تمام هست و نیستم آم آماده‌ام برای شروع و باگیری سازمان "اتحاد برای دمکراسی ایران" خدمت کنم. و بعد اگر اصلاحیه‌ای، نظری، نقدی، ... بود چون یک انسان شریف و متعهد به انسانیت، نظرم را آزادانه بیان خواهم کرد.

یک انسان که دوست دارد به خاطر انسانیت بمیرد تا انسان و انسانیت زنده بماند لیاقت نام آزادیخواه و عدالتجو را دارد. با درود به روان همیشه زنده مبارزان راه عدالت و آزادی.

بیانیه و برنامه عمل وین

تصویب شده در

کنفرانس جهانی حقوق بشر،

۲۵ ژوئن ۱۹۹۳

کنفرانس جهانی حقوق بشر، صحن پذیرش: تأکید بر یک تمام حقوق بشر از شرف و ارزش ذاتی هر فرد ناشی می شود و فرد نسل، داندند، سبکی حقوق بشر و آزادیهای اساسی است و در نتیجه باید بهره گیرنده اصلی آنها باشد و بری تحقیقات عادلانه تلاش ورزید.

با تأکید بر تمهید تمام دولتها که باید بر اساس منشور ملل متحد، رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی را برای همگان، فارغ از تمایزات نژادی، جنسی، زبانی یا دینی گسترش دهد و این حمایت کند،

با توجه به دفترهای مهمی که در عرصه بین المللی رخ داده و اینکه تمام خلقها خواستار برقراری یک صلح بین المللی بر مبنای اصول ذکر شده در منشور ملل متحد هستند، مشورتی که بر ضرورت گسترش و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان و نیز رعایت اصل برتری حقوق و حیث خلقها در تعیین سرنوشت خویش و بر صلح، دموکراسی، عدالت، برابری، حاکمیت قانونی، کثرتگرایی، توسعه، محدود و مصیبت زندگی، همسنگی، تأییدی ویژه دارد.

با مگرایی بسیار از انواع گوناگون تبعیض و خشونت که هنوز در چهار گوشه جهان سر زنان تحمیل می شود، تصویب رسمی بیه و برنامه عمل زیر را اعلام می کند:

۱. کنفرانس جهانی حقوق بشر بر تمهید رسمی تمام دولتها به انجام وظیفه حیثیت و رعایت عام، اجراء اساسی برای همگان، بر مبنای منشور ملل متحد و دیگر اسناد حقوق بشر و حقوق بین المللی مجدداً تأکید می کند. سرشت جهانگیر و عام این حقوق و آزادیها انکارناپذیر است.
۲. تمام خلقها از حق تعیین سرنوشت برخوردارند. بر اساس این حق، آنان نظام سیاسی خود را آزادانه تعیین می کنند و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را نیز پی می گیرند.
۳. با توجه به وضعیت خاص خلقهای اسیر سلطه استعماری یا دیگر شکلهای سلطه یا اشغال بیگانه، کنفرانس جهانی حقوق بشر خلقها را برای انجام تمام اقدامهای شروع بر سرستی منشور ملل متحد برای دستیابی به حق انکارناپذیر تعیین سرنوشت خویش، به رسمیت می شناسد. کنفرانس امکان حق تعیین سرنوشت را از موارد نقض حقوق بشر می داند و اهمیت تحقق کامل این حق را خاطر نشان می سازد.
۴. تمام مواد حقوق بشر، همگرا و تعیینناپذیرند و هم وابستگی متقابل و ربط تنگ تنگ دارند. حاکمیت بین المللی به حقوق بشر با محوریت فرآیند

عدالت و مصدق، بر پایه برادرتر گیرد و به حقوق مسلمی بیکان دهد. اگرچه به نسبت ویژگیهای ملی و منطقه ای و نوع تاریخی، فرهنگی و دینی را نادیده گرفت، تمام دولتها، صرف نظر از نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود، وضعه در بدنه که ترویج و حفظ تمام حقوق بشر و همه آزادیهای اساسی بپردازند.

۶. تلاشهای سازمان ملل متحد در راه رعایت و اجراء جهانگیر حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان، به ثبات و آمایش لازم برای برقراری آزادی صلح آید و دوستانه میان ملتها و نیز به تأمین شرایط ماستر برای صلح، امنیت و توسعه اجتماعی و اقتصادی بر اساس منشور ملل متحد پی بری می رساند.

۸. دموکراسی، توسعه و رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی به هم وابستگی متقابل دارند و یکدیگر را تقویت می کنند. دموکراسی بر رده آزادی صلح آید و مردمی که نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاص خود را تعیین می کنند و نیز بر شرکت همه جانبه آنان در تمام عرصه های زندگی اجتماعی استوار است. بر این اساس، حفظ و تقویت حقوق بشر و آزادیهای اساسی در سطح ملی و بین المللی - به عام و به دور از تحلیل قید و شرعی باشد - جامعه بین المللی باید در راه تقویت و تشویق دموکراسی، توسعه، رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی در سرتاسر جهان تلاش ورزید.

۹. کنفرانس جهانی حقوق بشر تأکید مجدد بر آنکه کشورهای توسعه یافته ای که بری پیشتر دموکراسی و صلاحات اقتصادی تلاش می ورزید - بر اساس سبب از کنفرانس فریقینی - به بر شنسی جامعه بین المللی به نحوی بهره مند گردند که بر حاکمیت دموکراسی و دموکراسی و توسعه اقتصادی - به سخت بر بگرداند.

۱۰. کنفرانس جهانی حقوق بشر تأکید مجدد دارد که حق توسعه، آن چنان که در بیانیه حق توسعه مقرر شده، طی جهانگیر و تجزیهناپذیر است و بخشی جداییناپذیر از حقوق اساسی انسان محسوب می شود.

۱۱. همانگونه که در بیانیه حق توسعه آمده، فرد انسان کامل و هدف اصلی توسعه است. اگر توسعه، راه بهره مندی از تمام حقوق بشر را هموار سازد، پس توانی برای تعیین سرنوشت خود را در دسترس شناخته شده بین المللی، بر کسب توسعه انگشت نگارد.

دولتها باید برای تعیین توسعه و رفع موانع آن، همکاری کنند. جامعه بین المللی باید همکاری بین المللی مؤثری را برای رفع این موانع و عملی ساختن حق توسعه، در پیش گیرد. برای پیشرفت مداوم در عملی ساختن حق توسعه، در عرصه ملی به سیاستهای توسعه مؤثر، و در سطح بین المللی به روابط اقتصادی عادلانه و محیط اقتصادی مناسب نیاز است.

۱۱. حق توسعه باید به نحوی عملی شود که نیازهای نسلهای گسترنی و آتی را در زمینه توسعه و محیطزیست، عادلانه برآورده سازد. کنفرانس جهانی حقوق بشر متعهد است که تخلیه غیرقانونی مواد و زیادهای شیمی و خطرناک، تهدیدی وخیم برای حق بهداشت و حیث یکپارگی افراد است.

۱۲. کنفرانس جهانی حقوق بشر حاکمیت بین المللی را فرامی خواند که برای کاهش بار سنگین بدهی خارجی کشورهای رو به توسعه از هیچ تلاش خودداری نورزد و کوششهای حکومتهای این کشورها را دستپاچی کامل به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملتشان باری برساند.

۱۵. رعایت کنایه تعیین حقوق بشر و آزادیهای اساسی، یکی از قواعد بنیادی حقوق بین المللی بشر است. تسامودی بسوزیگ و کسابل تمام استوار نژادپرستی و تبعیض نژادی و نیز بیگانه ترسی و عدم نخلل دیگران بدان که با همه این صنفا همراه است، از وظایف عاجل جامعه بین المللی است. دولتها باید برای جلوگیری از این صنفا و مبارزه با آنها، تدابیر مؤثری در پیش گیرند.

۱۷. اقدامها، روشها و اعمال تروریستی به هر شکل و در تمام جلوههایشان در بعضی از کشورها، همراه با قاچاق مواد مخدر، نژادی حقوق بشر، آزادیهای اساسی و دموکراسی را شانه گرفته اند و تسامب ارضی و امنیت دولتها را تهدید می کنند و حکومتها می ستیز قانونی را بی ثبات می سازند. حاکمیت بین المللی باید تدابیر لازم آوری برای تقویت همکاری در راه جلوگیری از تروریسم و مبارزه با آن، در پیش گیرد.

۱۸. حقوق اساسی زنان و دختران بخشی ذاتی، جد نشدنی و اشغالناپذیر از حقوق جهانگیر و فرهنگی، در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی، و با روی کامل تعیین منتهی بر حسبیت، هدفهای حاصل حاکمیت بین المللی است.

حقوقهای منتهی بر حسبیت و همه شکلهای آزاد و بهره کشی جنسی، از جمله شکلهای که یاد پیشاوربهای فرهنگی و خردی و فروش بین المللی و زنان و کودکان منتقد با حیثیت و شان فرد آدمی آشتی ناپذیرند و باید از میان برداشته شوند. برای دستیابی به این هدف می توان تدابیر قانونی، اقدامات ملی و همکاری بین المللی در عرصه های گوناگون مانند توسعه اقتصادی و اجتماعی، آموزش، حمایت از مادران، مراقبتهای بهداشتی و تأمین اجتماعی را به کار گرفت.

حقوق اساسی زنان باید بخش جداییناپذیری از فعالیتهای سازمان ملل متحد را در عرصه حقوق بشر تشکیل دهند و این فعالیتها باید ویژه تقویت تمام ابزارهای لازم در زمینه حقوق زنان را دربر گیرد.

کنفرانس جهانی حقوق بشر از حکومتها، نهادها، سازمانهای بین دولتی و غیردولتی معاشرانه می خواهد که به تلاشهایشان در راه حفظ و تقویت حقوق اساسی زنان و دختران به سرعت و گسترش بپردازند.

۱۹. (...) کنفرانس جهانی حقوق بشر تأکید مجدد دارد که دولتها موظفند وضعیت به بهره مندی کامل و اشخاص متعلق به اقلیتها بتوانند به بهره مندی کامل و مؤثر از تمام حقوق و همه آزادیهای اساسی بشیر، بی هیچ تبعیض و با برابری کامل در سراسر قانون، بر اساس بیابان حقوق اقلیتها ملی یا قومی، دینی یا زبانی، دست یابند.

اشخاص متعلق به اقلیتها از حق بهره مندی از فرهنگ خود، بیان اعتقاد و انجام آیینهای دینی خویش و کاربرد زبان خود، آزادانه و به دور از هرگونه مداخله یا تبعیض، برخوردارند.

۲۰. کنفرانس جهانی حقوق بشر حیثیت ذاتی اقوام بومی و عشق میهنی آنان را در توسعه و در ترویج حوض به رسمیت می شناسد و بر تمهید حاکمیت بین سر به تأمین رفاه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی - و به بهره مندی سخن این اقوام - دستوردهای توسعه پایدار تأکید مجدد دارد. دولتها باید شرکت آرد و همه جانبه این اقوام و در تمام عرصه های زندگی اجتماعی و ویژه در عرصه های مورد علاقه آن تعیین کنند.

۲۱. (...) باید ساخت و کارها و برنامه های ملی و بین المللی دفاع و محافظت از کودکان، سوزید، دخترجمجمه، جدهای سرامی، کودکان و لنگرند، کودک فریبی، بهره کشی اقتصادی و جنسی - سوزید، بهره کشی برای فیلمهای منتقد یا روستیگری یا فروش عصبی بدن - به هیچ وجه قربانی نیسایند، از جمله سلبان به ستروم نارسیایه ای سبب اینی، کودکان، پاننده و بی خانمان، کودکان زندانی، کودکان گریز در مزارات سلحانه، و نیز کودکان قربانی تحض و خشکسالی یا دیگر وضعیتهای اضطرری - تقویت کرد. باید همکاری و فرایند و همسنگی بین المللی گسترده را برای حمایت از رعایت کورسین حقوق کودک تشویق کرد و حقوق کودک باید در اقدامات سازمان ملل در عرصه حقوق بشر از اولویت برخوردار شود.

۲۲. - توجه ویژه به این امر داشت که معلولان، فریبی هیچ تبعیضی نشوند و بتوانند از تمام حقوق و آزادیهای اساسی بهره مند در شرایط برابری بهره مند گردند و از جمله در تمام عرصه های زندگی اجتماعی شرکت فعال داشته باشند.

۲۳. کنفرانس جهانی حقوق بشر تأکید مجدد دارد که هر سنی، بی هیچ تبعیضی از حق جستن و یافتن پاننده گری بر دیگر کشورها برای خلاصی از آزار و پیگرد و نیز از حق بازگشت به کشور خویش بهره مند است.

۳۶. کنفرانس جهانی حقوق بشر بر نقش مهم و سزنده به نفعی ملی برای تقویت و حفظ حقوق بشر - سزید در مقام مشاوران مفهومی دارای صلاحیت، و نیز بر نقش آنها در جلوگیری از نقض این حقوق و در پیش اخبار حقوق بشر - آموزشهای لازم در این زمینه، تأکید مجدد دارد.

۳۸. کنفرانس جهانی حقوق بشر بر اهمیت نقش سازمانهای غیرحکومتی در حمایت از تمام حقوق بشر و در اقدامهای بشردوستانه در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی تأکید می ورزد و بر کمک آنها به تلاش برای جلب توجه همگان به مسائل مربوط به حقوق بشر و تحقق برنامه های آموزشی، ترویجی و پژوهشی در این عرصه و نیز به تقویت و حفظ حقوق بشر و آزادیهای اساسی ارجح می نهد. کنفرانس جهانی حقوق بشر در عین تأکید بر اینکه مشرکت اساسی تعیین معیارهای لازم برعهده دولتهاست از کمکوی سازمانهای غیرحکومتی در این زمینه قدرتی می کند و به همین منظور اهمیت پیگیری همگرا و همکاری میان حکومتها و سازمانهای غیرحکومتی را خاطر نشان می سازد.

احزاب برای تکمیل احتیاج به اجازه ندارند

بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی کشور، جمعیت‌ها، احزاب سیاسی و صنفی علی‌الافتقار آزادند، مشروط بر این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، برابری اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد. به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. از این رو بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی، (که حتی کاملاً دموکراتیک نمی‌باشد) احزاب سیاسی و سازمانهای صنفی برای تشکیل و فعالیت خود، احتیاج به یک اجازه و مجوز از هیچ نهاد و وزارتخانه دولتی ندارند. در قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده (مصر ۱۳۶۰) تنها از «صدور پروانه» توسط وزارت کشور برای احزاب و سازمانهای سیاسی و صنفی صحبت می‌شود و نه از «صدور مجوز» برای آنها. در ماده ۶ این قانون اعلام می‌شود که «فعالیت گروهها آزاد است مشروط بر این که مشمول تخلفات مندرج در بندهای ماده ۱۶ این قانون نگردند». و به این ترتیب بر اساس این ماده قانونی، فعالیت گروههای سیاسی و صنفی بدون نیاز به یک اجازه آزاد است.

و در این قانون هرچکه نیاز به یک اجازه برده است، به صراحت از یکب اجازه نام برده شده است. به عنوان مثال تبصره ۲ ماده ۶ قانون احزاب می‌گوید که «برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ مقرر بانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در بیادین و پارکهای عمومی یا کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است». به این ترتیب اگر حتی «قانون احزاب»، فعالیت احزاب را منوط به یک اجازه از دولت می‌کند، می‌بایست، همچنان که در رابطه با برگزاری راهپیمایی صراحتاً از یک مجوز نام برده است، در این مورد هم چنین می‌کرد. ولی اساساً کسب اجازه از دولت برای فعالیت احزاب سیاسی و سازمانهای صنفی مخالف اصل ۲۶ قانون اساسی است. از این روست که در «قانون احزاب» تنها از صدور پروانه نه (کسب مجوز فعالیت) نام برد شده است و این دو مبتنی یکسانی ندارند. در ماده ۱۷ قانون احزاب اعلام شده است که: «در صورتی که فعالیت تشکیلاتی یک گروه مشمول تخلفات مذکور در ماده ۱۶ باشد کمیسیون (ماده ۱۰) می‌تواند بر حسب مورد به تفصیل زیر عمل نماید:

۱- تذکر کبی

۲- اخطار

۳- توفیق پروانه

۴- تقاضای انحلال از دادگاه

به این ترتیب مشخص است که توفیق پروانه یکی از انواع مجازاتی است که بر اساس قانون احزاب در صورت تخلف گروهی علیه آن اعمال می‌شود. و پس از توفیق پروانه، اگر بار دیگر گروه سیاسی یا صنفی مشمول تخلف گردد، این بار به دادگاه فرستاده می‌شود. به عبارت دیگر گروه سیاسی یا صنفی پس از توفیق پروانه باز هم می‌تواند به فعالیت ادامه دهد. و حتی به دادگاه فرستاده شدن پروانه یک گروه هنوز به معنای انحلال آن گروه نیست. بلکه ممکن است در دادگاه تیرنه شود و همچنان به فعالیت خود ادامه دهد. و نیز مشخص می‌شود که سابقه قانون احزاب دستور انحلال گروه سیاسی یا صنفی که به معنای توقف فعالیت آن می‌باشد تنها در صلاحیت دادگاه خاص است و نه هیچ مقام و مرجع و نهاد و وزارتخانه دیگری. چنین دادگاهی نیز مطابق با اصل ۱۶۸ قانون اساسی باید دادگاهی باشد در محاکم دادگستری، که به شکل علنی، با حضور هیئت منصفه، با تأمین حق دفاع و داشتن وکیل مدافع برای آن گروه سیاسی، به پرونده آن گروه رسیدگی کند. علاوه بر همه این سائق در تبصره ماده ۱۸ قانون احزاب گفته می‌شود که: «درآمد و هزینه گروههای بیرونه دار باید در دفتر قانونی ثبت شود...» و به این ترتیب خود قانون احزاب در اینجا نیز مشخص می‌سازد که: «گروههای پروانه‌داره باید چه کنند و به عترتی بر وجود قانونی و گروههای بی پروانه» نیز صحه می‌گذار.

درباره مقررات زنی

پیرامون حداقل رفتار با زندانیان

کنفرانس سازمان ملل متحد که در ۱۹۹۵ در ژنو تشکیل شد، مقرراتی درباره حداقل رفتار انسانی با زندانیان به تصویب رساند. هدف از این مقررات، نشان دادن چیزی است که به عنوان پایه و اسلوب عملی شایسته، دربار رفتار با زندانیان مورد قبول واقع شده است. در زیر تعدادی از مواد این مقررات را از نظر می‌گذرانیم.

ماده ۷ و ۸ تصریح می‌کند که باید زندانیان را بر حسب سن و جنسیت، سابقه محکومیت، نوع جرم، مدت مجازات، چگونگی شخصیت و وضعیت روحی، در قسمتهای مختلف زندان نگهداری شوند.

ماده ۱۰ تا ۲۱ تأکید می‌کند که در زندان شرایط بهداشتی از نظر وسعت مکان، هوای سالم، نور کافی برای زندانی مهیا باشد. وسایل بهداشتی به اندازه نیاز در اختیار زندانی قرار می‌گیرد. نظافت در تمام مکانهای زندان رعایت شود. زندانی بتواند از حمام‌هایی که در آن میزان گرما و سرما در فصول چهارگانه سال رعایت شود استفاده کند. زندانی به اندازه کافی پوشاک داشته باشد و اجازه داشته باشد به مناسبتهای گوناگون لباسهای مختلف بپوشد. هر زندانی تخته‌خواب و رختخواب

مخصوص و تمیزی داشته باشد. غذای کافی در اختیار زندانی قرار گیرد.

ماده ۲۵ و ۲۶ اشاره می‌کند که هر روز باید طیب زندان تمام

زندانیان با حداقل کسی که خود تقاضا می‌کند را معاینه کند و مدیر زندان موظف است که به سفارشات پزشک در مورد مقدار غذا و نوع آن، امور بهداشتی و نظافت... و توجه به آنها عمل کند.

ماده ۳۱ می‌گوید هر گونه مجازات غیرانسانی و وحشیانه و

قساوت‌بار ممنوع است.

ماده ۳۲ تصریح می‌کند انداختن زندانی به سلول انفرادی ممنوع

است. نباید از مقدار غذای زندانی کم شود و هر گونه اقدامی که به جسم و عقل و روح زندانی آسیب برساند جایز نیست.

ماده ۳۳ تأکید می‌کند استعمال هر گونه وسایل شکنجه علیه زندانی

ممنوع است انجام هر عمل برای مجبور کردن زندانی به کاری، ممنوع است.

ماده ۳۶ می‌گوید که باید زندانی امکاناتی و فرصتی داشته باشد تا

خواسته‌ها و شکایات خود را به مدیر زندان یا بازرس برساند و هیچ فردی نباید متعرض وی شود بلکه باید به شکایات او به سرعت رسیدگی و نتیجه به اطلاع شاکی رسانده شود.

ماده ۳۷ تأکید می‌کند زندانیان باید از طریق مکاتبه، ملاقات

حضوری، از حال خانواده خود آگاه شوند.

ماده ۳۹ تصریح می‌کند که زندانیان باید از اخبار کشور خود به

وسيله روزنامه، مجلات، راديو وسايل ارتباط جمعی اطلاع حاصل کنند.
- ماده ۲۰ می گوید که باید برای زندانیان در زندان کتابخانه‌ای ایجاد شود و کتابهای مورد نیاز و علاقه آنان در آنجا وجود داشته باشد.

- ماده ۲۱ و ۲۲ تصریح می‌کند که حق قانونی هر زندانی است که با نماینده هر مذهبی که بخواهد ارتباط برقرار کند و با هر نماینده‌ای که نمی‌خواهد قطع رابطه کند و باید بتواند مراسم مذهبی مخصوص خود را برگزار کند و کتابهای مذهبی خود را با خود همراه داشته باشد.

- ماده ۴۶ تا ۵۱ تأکید می‌کند که باید افراد زندانبان دارای شایستگی و عواطف انسانی و از لحاظ فرهنگی و فراست طبیعی در سطح بالایی باشند. رفتار آنها عادلانه و الگویی خوبی باشد. کارشناسان متخصص در علوم روانپزشکی و علوم اجتماعی همیشه و تمام روز در زندان مشغول فعالیت باشند. مدیر زندان از لحاظ اخلاق و رفتار و علم مدیریت شایستگی کافی داشته باشد.

- ماده ۵۴ تصریح می‌کند که کارمندان زندان از به کار بردن هرگونه نیرو و زور ممنوع هستند، مگر به طور اضطراری در زمان دفاع از خود در مقابل هجوم زندانی یا مقابله با اقدام به فرار زندانی، آن هم به قدر ضرورت. بردن سلاح به داخل زندان ممنوع است.

- ماده ۷۷ تأکید می‌کند که باید وسايل آموزشی برای زندانی فراهم شود و سوادآموزی برای یسوادان و افراد کم سن و سال اجباری باشد.

- ماده ۸۱ می‌گوید که باید به نمایندگان ادارات دولتی و اشخاص با جمعیت‌های غیردولتی که در حمایت از زندانیان فعالیت می‌کنند، اجازه داده شود که با زندانیان در زندان ارتباط برقرار کنند و از هرگونه تلاشی که به منظور تأمین آینده زندانیان انجام می‌شود حمایت و آن را تقویت کنند.

شاخصهای اساسی حقوق بشر

با تکیه بر « اعلامیه جهانی حقوق بشر » و « میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی »، می‌توان شاخصها و معیارهای اساسی حقوق بشر را به صورت زیر ارائه داد:

الف) داشتنی حقی

- مسافرت در داخل کشور
- مسافرت به خارج
- گردهمایی و برگزاری اجتماعات مسالمت‌آمیز
- تبلیغ نظرات و کسب اطلاعات
- نظارت بر موارد تخلف از حقوق بشر
- استفاده از زبان قومی

ب) عدم وجود

- کار اجباری یا کار کودکان
- هرگونه مجوزی برای کار اجباری
- اعدام بدون محاکمه و یا «ناپدیدشدن»
- شکنجه یا اعمال فشار
- اعدام
- تنبیه بدنی
- بازداشت غیرقانونی
- عضویت اجباری در حزب یا سازمانی خاص
- مذهب اجباری یا ایدئولوژی رسمی در مدارس
- کنترل بر فعالیتهای هنری

- سنسور سیاسی بر مطبوعات

- سنسور نامه‌ها یا ضبط مکالمات تلفنی

ج) آزاد بودن در

- مخالفت سیاسی مسالمت‌آمیز
- انتخابات چند حزبی از طریق رای‌گیری همگانی و مخفی
- برابری حقوقی و سیاسی برای زنان
- برابری اقتصادی و اجتماعی برای اقلیتهای قومی
- نشر مطبوعات مستقل
- نشر مستقل کتاب
- شبکه‌های راديو و تلویزیونی مستقل
- دادگاه‌های مستقل
- اتخاذی‌های کارگری مستقل

د) برخورداری از حق قانونی

- ملیت
- اصل بر براءت بودن
- امکان قضایی رایگان به هنگام لزوم و عدم اجبار به افشای عقاید و نظرات شخصی
- دادگاه علنی
- تشکیل سریع و به موقع دادگاه
- امنیت منزل در برابر تجسس بدون مجوز پلیس
- حفظ اموال شخصی در برابر مصادره خودسرانه
- ه) برخورداری از حقوق شخصی در
 - ازدو جهای بین نژادی و بین مذهبی و ازدواجهای رسمی (از طریق شهرداری و...)
 - برابری زن و مرد در ازدواج، و فسخ آن و طلاق
 - به جا آوردن آداب مذهبی
 - تعیین تعداد فرزندان

نامه ای از کردستان

محمد کردی

مناطق کردنشین و کردستان در اثر بی‌توجهی دولتمردان و دولت مرکزی و جنگ داخلی و جنگ‌های ایران و عراق دچار صدمات جبران ناپذیری شده است. خلاصه‌ای از وضعیت موجود کردستان از نظر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی به قرار ذیل است:

الف - وضعیت اقتصادی: اوضاع اقتصادی بدلائیل شرایط امنیتی و سیاسی منطقه بسیار بحرانی است. سالیان درازی است که به بهانه عدم امنیت منطقه و یا تهدید شورشیان کُرد از هرگونه سرمایه‌گذاری اساسی اجتناب می‌شود. فقدان زمینه‌های لازم جهت اشتغال کارگران در روستاها و شهرها و عدم امکانات بهداشتی و آموزشی مناسب و کافی موجب مهاجرت مداوم روستائیان به شهرهایی گردیده که حتی از امکانات کافی برای همان جمعیت قبلی برخوردار نبوده است و تنها به محلات فقیرنشین شهر افزوده شده و باعث گسترش وسیع بی‌کاری و افزایش فقر عمومی گردیده است در سراسر این مناطق دریغ از یک کارخانه و یا کارگاهی که بتواند زمینه اشتغال چند صد نفر را فراهم آورد خیل عظیم بی‌کاران به طرق مختلفی چون خدمت در باند و دسته‌های قاچاق و از جمله مواد مخدر و یا بصورت کارگران فصلی در خدمت

نامه چند نفر از کارگران چاپخانه‌ها

همانطور که همه ما میدانیم مدت طولانی است که وضع زندگی ما به وخامت گزاشیده و پریشان حالی در درون خانواده‌های ما موجود آمده است. بیکاری، گرانی و درماندگی در میان ما فشار دائم التزایدی بوجود می‌آورد که همه آنها ناشی از شرایط ناهنجاری است که در داخل صف ما بوجود آمده است. زیرا مدت طولانی است که امور صنفی و تولید چاپ دچار بحران گردیده است. قبل از انقلاب سال ۵۷ وضع اقتصادی ما به مراتب از امروز بهتر بوده، بعد از انقلاب و هر تحول بزرگ اجتماعی، ضایعات نیروی موجود آمد و همچنین جنگ ما با عراق آنهم به مدت ۸ سال نمی‌توانست بدون خرابی‌های وسیع و دامنه‌داری باشد. به همین دلیل فشرده‌ی مختلف زندگی و همچنین کم‌بودها برای خانواده‌های ما قابل توجه بود. پس از پایان جنگ، همه ما این امید را داشتیم که به تدریج سطح زندگی و رفاه به خانواده‌های ما بازگردد و کار تولید چاپ جایگاه واقعی خود را یابد. با اینکه اکنون بیش از ۸ سال است که از پایان جنگ میگذرد در وضع زندگی ما کارگران نه تنها بهبودی بوجود نیامده، بلکه فشارهای اقتصادی دم به دم افزایش یافته‌اند. البته در وضع کنونی صاحبان و حدهای تولیدی صنعت چاپ به اندازه ما نگران وضع رفسبار صنعت چاپ نیستند، زیرا در اوضاع پر آشوب اقتصادی فعلی نه فقط عدالت بلکه برخی از آنان نسبت به گذشته سودهای عظیمی بدست می‌آورند. روند فعلی صنعت چاپ با آنکه به نفع سرمایه‌داران است، امری که کارگران روشن است که چنین روندی با جریان طبیعی اقتصادی و جریان طبیعی تولید کاملاً متضاد است و نمی‌تواند دوام بیاورد و همانطوریکه تاکنون ویرانیهای فراوانی را برای صنعت چاپ بوجود آورده است نمی‌تواند آینده روشنی را نوید دهد. ما معتقد بر ایجاد امنیت اقتصادی هستیم، امنیتی که جلوی سوء استفاده‌های کلان را بگیرد و حد کسر سود معقول سرمایه را تضمین کند و هم از حقوق اقتصادی، اجتماعی و صنفی نیروی کار حمایت نماید. امنیتی که شرایط سالم جریان تولید را بوجود آورد و روند دائمی آن را تضمین نماید.

ما نویسنده‌گان این نامه معتمدین مشکلات و گرفتاریهای متعدد صنفی ما بدون حل بحران کنونی صنعت چاپ قابل حل نخواهد بود. و بدون حل مشکلات و گرفتاریهای کارگران، بحران کنونی تولید قابل حل نخواهد بود. بنابراین اگر ما بدون توجه به شرایط بحران صنعت چاپ فقط به جگونگی حل مشکلات صنفی خود بیندیشیم به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید. با کمی دقت و توجه همگی درخواهیم یافت که درهم ریختگی حقوق صنفی ما و بحران در صنعت چاپ هر دو ناشی از اختلالی است که در صنعت چاپ ظاهر شده است و چنانچه نظم آگاهانه‌ای در تولید صنعت چاپ مسلط گردد، پایگاه حقوق صنفی ما از موقعیت قانونی مستحکمی برخوردار خواهد بود.

بنابراین مبارزه صنفی ما زمانی ثمربخش خواهد بود که:

- ۱- اتحاد و همبستگی کارگران بر اساس دفاع از حقوق صنفی بوجود آید و شکل سازمانی آن (سندیکا یا شورا) بر اساس دموکراسی تشکیلاتی و رعایت حفظ حقوق مساوی همه افراد پایه‌گذاری گردد.
- ۲- تنظیم برنامه مبارزه پس از بحث و گفتگو در همه مسائلی صنفی و حقوقی افراد و نتیجه‌گیری لازم از آن با در نظر گرفتن ضرورت پیشرفت صنعت چاپ و در نظر گرفتن مصالح جامعه صورت گیرد. در واقع لازمه پیشرفت صنعت چاپ، با تقویت روحی و اخلاقی و همچنین ایجاد شور

صانع ساختمان‌سازی تهران و مناطق توسعه یافته‌تر ایران قرار می‌گیرند و با در دره‌های پایین و پست‌ترین شغلها و نا حداقل دستمزد (مانند مازبری و بارکشی) در بازار تهران و بندرهای جنوب کشور برای مدت کوتاهی مشغول بکار می‌شوند. تا بتوانند تقمه نانی برای خانواده پرجمعیت و اکثراً بی‌کار خود بدست آورند. برخی از جوانان کرد برای فرار از فقر و بی‌کاری و امید حانی به کشورهای همجوار و با اروپایی پناه می‌برند. برای نمونه، رادیو بی‌بی‌سی در ساعت ۱۹/۴۵ بعد از ظهر روز شنبه ۷۶/۹/۶ خبر از فرار دسته جمعی ۷۰۰ کرد داد که به گفته پلیس ایتالیا بیشتر آنها «کرد ایرانی» بوده و ۸۵ نفر رانان ران و کودک است. آنها مدتی در آنهای مدیریتانه سرگردان بوده و ایتالیا از ورود آنها ممانعت نموده است. این عده عمدتاً پناهنده اقتصادی و سیاسی بوده و بسا به همین گزارش حدود ۲۰ هزار کرد دیگر در انتظار ورود به کشورهای اتحادیه اروپا بسر می‌برند که شمار زیادی از آنان نیز «کرد ایرانی» هستند. برای مردم منطقه آشکار شده است که وعده‌های مقطعی مسئولین پوچ و توخالی بوده و تاکنون هیچگونه تأثیری مثبت دربر نداشته، بلکه تنها دست‌آویزی سیاسی جهت عوامفریبی و خوشبین ساختن واهی مردم کرد بوده است.

ب - وضعیت فرهنگی و اجتماعی: بواسطه اینکه تحصیلات و از جمله دوره ابتدایی با زبان رسمی یعنی فارسی صورت می‌گیرد و به دلیل عدم آشنایی کافی فرزندان مردم کرد به زبان تدریس و نیز ممنوعیت آموزش زبان کردی، افت تحصیلی، محرومیت از تحصیل، ترک تحصیل، بیسواد و فقر فرهنگی از تدویم بخشیده است. تحت لوای ترویج مذهب رسمی در مدارس دولتی مذهب مردم کردستان نیز مورد تهاجم قرار گرفته و آمرین به معروف از مراسم و سنت‌های ملی و ایرانی کردها به شیوه‌های گوناگون جلوگیری بعمل آورده و از برپایی جشنها و شادیاها و حتی مراسم چهارشنبه سوری و عید نوروز باستانی تحت مبارزه با آتش‌پرستی جلوگیری می‌شود. علاوه بر آن، دست‌هایی در کار هستند که اعتیاد را بصورتی گسترده در میان جوانان کرد اشاعه می‌دهند. و در پی بهره‌برداری سیاسی از آن هستند.

ج وضعیت سیاسی: سرزمین فرزندان کاوه‌انگتر سالیان درازی است شاهد مبارزه‌ای پی‌گیر برای پاسداری از شرف، هویت، جاواندی و آزادگی و سبزی با ظلم و ستم و محرومیت است. در خلال این سالها خون بسیاری از مردم کرد به اتهامات واهی در سراسر این سرزمین ریخته شده، چه بسیار گورهای جوانان و مردان بی‌نام و نشانی بر فراز تپه‌ای، در دامنه کوهی، و یادگروری جمعی که نشان از رشادتهای این مردم رشید است. و اما حال: پس از کشتارهای جمعی، اعدامها و تیربارانهای صحرایی، شکنجه‌های یادآور قرون وسطایی، زندانی، تبعید و تحت تعقیب قرار دادن‌ها، و اینک با ترویج بدبینی و عدم اعتماد در میان مردم و جو شدید پلیسی، هنوز «خبر روزه» همچنان تعقیب و ترور فرزندان تبعیدی از وطن و کشتار و بمباران ... است.

واضح است در این مرحله از مبارزه نزدیکترین وظیفه ما تشکیل سازمان صنفی با مشارکت فعال اکثریت کارگران است. سازمانی با وسیع‌ترین شیوه دموکراتیک که همسنگی دانمی کارگران را مرتب ارتقاء دهد. و با اندازه کافی آگاه نسبت به منافع صنفی و به اندازه کافی دارای قدرت تشخیص در جهت تطبیق منافع صنفی با مصالح جامعه باشد. و همچنین در انجام وظایف خود آنچنان دقیق باشد که تکیه‌گاه مطمئنی برای همه ما کارگران گردد. ایجاد چنین سازمانی که با هر گونه شرایط اجتماعی بتواند وظایف رهبری مبارزات صنفی ما را بتواند انجام دهد، اتکاء مطمئنی برای همه ما خواهد بود از این نظر ما از همه همکاران خود دعوت بعمل می‌نمایم در این تلاش صنفی فعالانه شرکت نمایند و پس از بحث و گفتگوهای لازم به نتیجه قطعی برسیم. بدین وسیله سازمان صنفی خود را پایه‌گذاری نمائیم.

و دوق کاری در میان کارگران ارتباط مستقیم دارد که آنها فقط از طریق پیشرفت زندگی و برخورداری کارگران از موهبت‌های کاری‌شان امکان بد برآست. و همانطوریکه موقوفات منافع و مصالح جامعه را در نظر بگیریم، جامعه نیز موظف است مصالح و منافع اقتصادی و حقوقی ما را برنگرداند. روابط اجتماعی، روابطی است متقابل و برای آنکه ما بتوانیم در ایجاد چنین روابطی نقش موثری داشته باشیم باید تو نیم در اداره تولید صنعت چاپ با حفظ حقوق صنفی‌مان جای مسمی داشته باشیم. یعنی نمایندگان صنفی ما باید در تصمیم‌گیری‌های مدیریت در اداره تولید شرکت داشته باشند. حضور نمایندگان صنف ما در چنین جایگاهی علاوه براینکه به ایجاد عدالت اجتماعی کمک موثری خواهد داشت، عامل بسیار موثری در تنظیم صحیح روابط کاری خواهد بود. که نه فقط ضایعات تولید را به حداقل خواهد رساند. بلکه مانع از هدر رفتگی هر گونه انرژی کاری خواهد بود و ایجاد چنین مناسبات کاری، چهارچوب مستحکم برای پیشرفت و تکامل صنعت چاپ خواهد بود.

فویای قدرت در نظام‌های بسته

بین آنها و مردم عادی، آنها را پرهیزت و شکوه معرفی کرده و مردم را در مقابل آنها خوار و ذلیل فرض کرده که مطیع اوامر ملوکانه هستند و هیچ حرفی بالای حرف آنها نیست؛ یک نوع وحشت در بسین مردم ایجاد می‌کنند که حاصل آن بروز فویای قدرت در جامعه است.

برای از بین بردن فویای قدرت در بین مردم، راهی نداریم بجز باز کردن درهای بسته جامعه، و اجازه دادن به عموم مردم برای شرکت در قدرت برای تقسیم قدرت صاحبان قدرت که خواسته و ناخواسته فویای قدرت را در جامعه ایجاد کرده و می‌کشند از مردمی شدن حکومت‌های بسته جلوگیری نمایند.

مردم بی‌دلیل از تمام لباس قانون پوش ما می‌ترسند و آنها را اهرم‌های دولت برای ایجاد تسلط و سلطه می‌دانند.

از طسرفی در نظام‌های بسته چون بسیاری از مردم صادی می‌توانند خود مجریان پنهان قانون را بشناسند بنابراین مردم همواره از همانند خود نیز ترس و واهمه دارند و این فویای قدرت دائماً تن آنها را می‌گروند.

نمایش هر چندگاه، قدرت در مقابل در نظر عمومی بی‌هیچ تزیید با هدف افزایش فویای قدرت در جامعه صورت می‌گیرد و کنترل کنندگان این نوع جامعه‌ها از مانورهای صوری برای ره یافت به عامل‌های قبض قدرت استفاده کرده و در فرایند سلطه و سلطه پذیر، تسلط خود را دائماً به گوش و هوش مردم می‌رسانند.

صاحبان قدرت معمولاً در جامعه‌های بسته به شیوع شایبه‌های قدرت مابسانه نیز مسمی‌پردازند و شخصیت‌های توخالی خود را به عنوان متفکر و خیره و آگاه معرفی می‌کنند و با اینکه با کسبند دیواری

جوامع بسته، وابسته به فویای آنهاست و این آنها هستند که باید با امتراض خسرو رفتار صاحبان قدرت را کنترل نمایند. نه اینکه صاحبان قنونه با اعمال قدرت آنها را مسجوب به پیشرو امدانشان بکنند.

از نظر دیگره صاحبان قدرت، اگر دارای پایگاه مردمی باشند و این پایگاه خواستگاه دوری در بین مردم داشته باشد، بی‌تردید به جای افزون‌تر بر اهرم‌های

قدرت، به افزونی بیش و نگرش مردم می‌تندیشند و خود را در دل مردم جای می‌دهند؛ همان چیزی که در جامعه‌های بسته وجود خارجی تاکنون نیافته است.

همانطوریکه در روسیه و چین مردم از معلمان مدارس ترس و ولعنه دارند و قولی آنها را بی‌چون و چیرا می‌کنند در شهر نیز مردم از هر لباسی قانون پوشی می‌ترسند و در مقابل از معلمان مدرسه ترس می‌بندند.

چون هر لباس قانون پوشی مخبره قانون نیست شاید مردم بیش از هر چیز بهاء داده شود تا آنها بدانند که قدرت صاحبان قدرت در

انزوده و از ایجاد هر نوع دگرگونی که احتمال به هم ریختن رابطه سلطه و سلطه پسندیر است، جلوگیری نمایند.

هر استدلزه وابستگی مردم به صاحبان قدرت بیشتر باشد به همان اندازه ترس آنها نیز بیشتر است.

چرا که می‌ترسند مبادا با عملکرد خود، موجبات قهر آنها را فراهم کرده و خود خشم و غضب آنها قرار بگیرند. صاحبان قدرت در جامعه‌های

بسته از آن که مردم از آنها بترسند آنها از مردم می‌ترسند چرا که قدرت آنها وابسته به همان بودن جامعه است و گونه قدرت در جامعه نیز فویای قدرت نمود پیدا کرده و عامل ایجاد ترس

و ولعنه در بین مردم بشود، نخواهد بود. هر اندازه مردم از عملکرد صاحبان قدرت آگاهی داشته باشند فویای آنها نیز موصد کستری پهلبلگرمه و با

آگاهی از اعمال و رفتار بالا مستان خود برترس بی‌مورد خود خلیه می‌نمایند.

برای این منظور باید به افزایش آگاهی مردم بیش از هر چیز بهاء داده شود تا آنها بدانند که قدرت صاحبان قدرت در

واقعی اجتماع از آن گریزان هستند برای مثال در موانع اهرم‌های قدرتی که ملتسمت و نادانسته ترس ایجاد می‌کنند برای راهی از بن بست، متوسل به پدیده‌های زشتی چون دروغ می‌شوند.

همین ترس‌هایی بی‌مورد با گذشت زمان عوامل غیر واقعی نیز پیدا می‌کنند و کم کم جای پای خود را در بطن آدم‌ها محکم کرده و چون خوره وجود مردم را می‌خورند. صاحبان قدرت

در نظام‌های بسته، هر اندازه قدرت بیشتری در اختیار داشته باشند، همان اندازه فویای قدرت در جامعه نیز بیشتر می‌شود. در حالی که هیچ دلیل عقلی برای آن نیست. یعنی معلوم نیست چرا هر چه قدرت صاحبان قدرت بیشتر می‌شود ترس مردم از آنها بیشتر می‌گردد. حتی بدون اینکه فکر مقابله با صاحبان قدرت هم در سر داشته باشند!

بگذار مردمی در صاحبان قدرت برآن هستند با قدرت نمایی در جامعه‌های بسته بر این فویای خود ایجاد کرده دامن زده و زیر دستان سلطه‌پذیر خود را در ترس دانمی بگه دارند تا بدین طریق بر تسلط خود

فویا به عنوان یک اصل روان شناختی به آن قسم از ترس‌هایی اطلاق می‌شود که در تجربه و تحلیل‌های حتمی، ملت یا ملت "ملت" خاصی نمی‌توان برای تصور کرد و یا اگر به علت و یا علی نیز بتوان عنوان کرد تکیه‌گاه علمی خاصی ندارد. مانند ترس از مردم، ترس از تاریکی.

قدرت نیز چون سرخست از اهرم‌های سیاسی جامعه است و معمولاً در جامعه‌های بسته کنترل کننده تنش‌های اجتماعی است. گاهی اوقات به عوض اینکه آرامش در جامعه بوجود بیآورد، ایجاد ترس و آن هم از نوع فویای می‌کنند که خود قایم‌نقل است.

مردم در نظام‌های بسته می‌بینند گاهی اوقات بدون اینکه خود بدانند از اهرم‌هایی که معمولاً از خدمت قدرت هستند یک نوع ترس و دلهره دانمی دارند. این ترس و دلهره موجب می‌شود توانند آن گونه که لازم است به وظایف اجتماعی خود پرداخته و همواره برای فرار از این اهرم‌ها متوسل به فریب‌های می‌شوند که بی‌بازمان و ساختارهای

این جانب به عنوان رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارم مطالبی را راجع به دادگاه مرسوم به: «دادگاه ویژه روحانیت» گوشزد نمایم. هر چند برای عیدهای ممکن است تلخ باشد چنانچه معمولاً طبیعت حق تلخ است: دادگاه ویژه که عامل لطمه زدن به چهره و شخصیت بسیاری از علماء و مراجع بوده و به بهانه های واهی در حقه کارها حتی در کار مردمیت شیعه و مراجع تقلید دخالت های ناروا می کند، هیچ گونه مبنای قانونی نداشته و تشکیل آن برخلاف قانون اساسی است به چند دلیل:

دلیل اول: در اصل شصت و یکم قانون اساسی آمده است: «اعمال قوه قضائیه، بوسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود».

و معلوم است که: «دادگاه ویژه روحانیت» از دادگاه های دادگستری و زیر نظر قوه قضائیه نیست، و به قوانین و مقررات قضائی کشور اختفاء ندارد. بنابراین حق دخالت در امور قضائی ندارد و متصدیان آن باید نزد خدا و ملت پاسخ گوی اعمال خلاف قانون خود باشند.

دلیل دوم: فرض کنید شخصی با مقامی در کشور هر چند عالی رتبه مثلاً تشکیلاتی به نام «دادگاه ویژه» با مقررات مخصوص به خود در مقابل قوه قضائیه کشور اختراع کند که مستقل عمل نماید و در برابر اعمال خود به قوه قضائیه کشور پاسخ گو نباشد. بدون شک این عمل آن مقسم مخالف قانون اساسی تلقی می شود که اگر از روی عمد باشد جرم است، و اگر از روی غفلت و اشتباه باشد باید از اشتباه خود برگردد و خسارهای وارده را جبران نماید. از طرف دیگر ما می بینیم که ذیل اصل یکصد و هفتم قانون اساسی راجع به رهبر کشور می گوید: «رهبر در برابر قوانین با سایر اقوام کشور مساوی است».

بنابراین همان طور که رئیس جمهور مثلاً حق ندارد دادگاهی مستقل در مقابل قوه قضائیه تشکیل دهد رهبر نیز چنین حقی ندارد و باید مطابق اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی، مجلس خبرگان رهبری که مشریت بر عینه عمل کرد رهبری را دارا است به این عمل رهبر رسیدگی نماید.

دلیل سوم: در اصل یکصد و دهم قانون اساسی وظائف و اختیارات رهبر در پیرو قوه مشخص شده است و در بین آنها نامی از تشکیل دادگاه ویژه روحانیت برده نشده، بنابراین تشکیل آن قانونی نیست. لازم است توجه شود: انتخابات خبرگان رهبری از ناحیه ملت، و انتخاب مقام رهبری از ناحیه خبرگان هر دو بر اساس قانون اساسی کشور است، و ملت بوسیله خبرگان، رهبری و انتخاب نمی نمایند که عملاً پای بند قانون اساسی باشد و از آن تخلف نکنند.

دلیل چهارم: «دادگاه ویژه» از ناحیه مجلس شورای اسلامی تصویب و تأیید نشده، و مقررات آن نیز به تصویب مجلس نرسیده است.

مادامی که مقرراتی به تصویب مرکز قانون گذاری کشور نرسد ارزش قانونی ندارد و مجراء آنها جرم محسوب می شود. اگر بنا باشد بدون مراجعه به کانون قانون گذاری، قانون تراشی شده خطر استبداد و با هرج و مرج کشور را تشدید می کند. در جهان امروز قانون گذاری فردی و بی مسئولیتی به قوه مقننه کشور خاطره سره حکومت های استبدادی شاهانه را بیاد می آورد و در نتیجه حرمت انقلاب ملت شکسته می شود. تخلف از قوانین و مقررات موضوعه کشور علاوه بر اینکه تعنی به حقوق ملت است و آنان را بدبین و مایوس می کند، در روابط بین الملل نیز اثر منفی دارد زیرا موجب بی اعتمادی دولتها و شخصیت های حقوقی و اقتصادی جهان و بالنتیجه انزواء سیاسی و اقتصادی کشور خواهد شد. فستنا مجلس شورای اسلامی نیز حق ندارد برخلاف قانون اساسی-قانونی را تصویب نماید

لایحه تخلفات اداری و نقض آزادیهای اساسی

در لایحه تخلفات - ری مصوب مجلس شورای اسلامی، به تخلفاتی که مستوجب حراج از ادارات دولتی می شود، اشاره شده است. برخی از این تخلفات عبارتند از:

- ۱- ارتباط و تماس غیرمجاز با اتباع بیگانه
- ۲- رعایت نکردن حجاب اسلامی
- ۳- رعایت نکردن شئون و شعایر اسلامی
- ۴- شرکت در نحص، اعتصاب و تظاهرات غیر قانونی یا تحریک دیگران به درشتکشی یا کم کاری
- ۵- عضویت در یکی از فرقه های فاسد که ز نظیر اسلام مردود شناخته شده اند.

- ۶- عضویت در سازمانهایی که مرامنامه یا اساسنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها
- ۷- عضویت در گروه های محارب یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها
- ۸- عضویت در تشکیلات فراماسونری

متخلفین به خرج مروت یا دائم و حتی محرومیت همیشگی از خدمت در ادارات دولتی محکوم خواهند شد.

کاملاً آشکار است که خود این لایحه اساساً موردی از نقض حقوق و آزادیهای اساسی مردم است.

نامه ای از محله شماره دو

ولنی پیرنیا

باسلام

مدت دو ماه پیش در محله شماره دو (خلیج) اداره برق اقدام به نصب چراغ و روشنایی روی تیر برقیهای کوچه ها و خیابانها کردند و ولنی متأسفانه شورای محل که مشخص نیست به وسیله چه شخصی انتخاب شده اند همراه با بخشدار محله چهار دانگه شعبه شماره دو خلیج بابت هر چراغ دو هزار تومان از ساکنین کوچه ها و خیابانها دریافت کردند. که البته چندین نفر از ساکنین به اداره برق مراجعه کردند و از طرف آن اداره گفته شده که بابت نصب چراغ نه اداره برق هزینه هیچ ارگانی نباید بولی دریافت کنند.

به علت درست نبودن قانون و ضعف قوه قضائیه در مملکت دست افراد کلاهبردار، نزولخوار و رباخوار باز گذاشته شده و هر روز در هر نقطه ای از شهرها و حتی روستاها این افراد خون مردم را مثل زالو می مکند و دولتی که راهش حمایت از مردم نیست دست روی دست گذاشته است. همه آنها به ریش مردم زحمتکش می خندند.

به امید روزی که مردم زحمتکش ایران به وسیله نیروهای مردمی و گروههایی که وقت و زندگی خود را وقف سربلندی زحمتکشان و مردم ستمدیده این مملکت کرده اند گناه شده و ریشه ظلم و فساد را از کشور ایران عزیز برافکنند.

به امید موفقیت شما عزیزان

دردفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی کشور

" سازمان اتحاد برای دموکراسی در ایران " در آذرماه ۱۳۷۶ اساسی برخی از زندانیان سیاسی و عقیدتی کشور در زندانهای اوین و گوهردشت کرج را اعلام نمود و در اختیار عموطنان و نیروهای مبارز قرار داد. اینک نیز اساسی برخی دیگر از این زندانیان را اعلام می نماید :

نام و نام خانوادگی	نوع اتهام	زمان دستگیری	مدت محکومیت	محل حبس
ابراهیم مجد ابادی	همکاری با سازمان مجاهدین خلق ایران یا قصد خروج از کشور برای پیوستن به آن	۱۳۶۹	۱۰ سال	اوین سالن ۱ آموزشگاه
محمود رنگ امیز	" " "	۱۳۷۵	نا معلوم	" "
سعید صفت بقا	" " "	" "	" "	" "
رسول حسین ابادیان	" " "	" "	" "	" "
کوروش نیک اختر	اقدام به ترور هاشمی رفسنجانی	۱۳۷۳	ابد	" "

۱- حقوق کارگران

کارگر حق دارد اتحادیه کارگری (سندیکا)، تشکیل دهد به اندازه‌ای موجود می‌باشد و در هر حالت اتحادیه‌ای شرکت کند. سود سکه اخراج - کسب منافع دولتی با کارفرما لازم‌اند کارگر حق دارد در محل کار خود و یا در مجرای منکرملات کند سبب نماید و عماد خود را در مورد تمام مسائلی که به آنها مربوط است آزادانه ابراز نماید. آنها حق دارند که مطوعات مورد نظر خود را بخوانند به‌سبب اتحادیه‌ای و کارگری را توزیع کنند و برای سینه نشنید نمایند.

کارگر حق دارد در کارخانه‌های دولتی یا خصوصی و نیز هر محل کار دیگر نمایندگان کارگران - نمایندگان اتحادیه و با همسران سازمان سینه سده کارگری را احداث کند، که این نمایندگان برای دفاع از مصلح کارگران مسئولیت خواهند داشت. هر کارگری حق دارد به‌خوب نماینده انتخاب شود.

کارگر حق دارد که با سازمان اتحادیه‌ای خود و بنا به سینه‌ای از آن که خود انتخاب کرده است، هر مسئله‌ای را که به منافع عمومی خصوصی یا شخصی آن مربوط باشد، مطرح سازند.

کارگر حق دارد هر مانعی در دفاع از منافع خود، چه احصاء شده یا نشده، چه منافع دیگر اتحادیه‌ای، شرکت کند. حق هیچ سزای کارمندان و مقامات دولتی حق ندارد - فعالیت‌های اتحادیه‌ای کارگران، و با نظرات و اعتقادات (شخصی آن را به غیر - تعلق برای تعیین خلا در مورد استخدام، یا تشریح استخدام یا دستمزد، - حراج و با جریمه مکار برون.

۲- آزادی فعالیت سندیکایی

تحت اتحادیه سده آزادیه موانع مربوط به اتحادیه در خود را سینه - آن را که اتحادیه چگونه باید عمل کند و معنی آنها چه است، خود سینه تعیین کند آنها باید هرگز و در هر صورت خود را آزادانه و بدون هیچ گونه محدودیت احداث کند سازمان عمل اتحادیه کارگری حق دارد که براساس موانع خود عمل کند سینه سکه مزاحمت - تشریحی - ضربت منافع دولتی - کارفرما برای آن سجاد گردد.

سازمان‌های اتحادیه کارگری حق دارند، بدون کسب اجازه از هر مقام دولتی، جلسه یا تکره تشکیل دهند، آنها حق دارند نظرات - ترتیب سینه که شامل ظاهرات در حساب نیز می‌شود - آنها حق دارند در محل کار خود جلسه تشکیل دهند.

کارگری که در اتحادیه‌های کارگری سازمان یافته است عضویت خود را در شرکت موانع اتحادیه خود پرداخت خواهند کرد این خود به سینه‌ای که تاسو اتحادیه مشخص کرده جمع‌آوری می‌شود. پرداخت حق عضویت اختیاری می‌باشد - خود - در صدوز اتحادیه همه در حساب اتحادیه است، بدون اینکه - ضربت مقامات دولتی یا کارفرما کنترل گردد. حق هیچ شرایطی صنوبر اتحادیه‌های کارگری و - دارایی‌های دیگر آنها ضبط شدن نیست.

سینه‌های کارگری حق دارند از مقامات دولتی محل ثابتی متناسب - فعالیتشان دریافت دارند. آنها به تمهائلی حق اداره محرز خودند - با محلی که - آنان واکذا در شده‌ها دارا هستند. صورت این محرز باید رعایت گردد.

سازمان‌های اتحادیه کارگری حق دارند برای کارگران هرگونه آموزش و با فعالیت‌های فرهنگی دیگر ترتیب دهند. برای آن مدرس کتابخانه، پاسگاه و یا هر نوع تسهیلات اجتماعی آموزش فرهنگی، تفریحی و ورزشی دیگر تهیه دیده و آنرا اداره کنند.

نمایندگان اتحادیه‌های کارگری و نمایندگان کارگران حق دارند فعالیت‌های خود را در محل کار خود، بدون دخالت و یا نظارت مقامات دولتی و یا کارفرما انجام دهند. آنها مادام که مشغول فعالیت‌های اتحادیه‌ای خود هستند باید در مقابل مزبور جریمه، یا تنبیه یا توبیخ حمایت بشوند. در حامی که خانه‌های سازمانی پرداخت کارگران ترار دارد، نباید از ورود نمایندگان اتحادیه‌های کارگری برای انجام وظایب خود به این محل‌ها توسط مقامات دولتی و یا کارفرما جلوگیری به عمل آید.

سده اتحادیه‌های کارگری حق دارند برپایه حرفه با سرعت در یک محل یا منطقه، یا کشور و یا قلمرو با هم اندلسیون نسکیست.

دهند - اتحادیه کارگری همچنین حق دارند کمندراسیونی که در سر گیرنده صنایع - حرف و یا تخصص‌های مختلف باشد اتحاد کند. ۳- حق اتحادیه برای نمایندگی کارگران

اتحادیه‌های کارگری حق دارند از منابع هر کارگری دفاع کنند و در تمام مسائلی که به منافع کارگران مربوط است بررسی کرده، اظهار عقیده نموده و دخالت کنند.

اتحادیه‌های کارگری، از جمله کارگرانی که در خدمات عمومی کار می‌کنند، حق دارند با کارفرمایان و مقامات دولتی مباحثه کرده و برآورد دسته جمعی منعقد کنند.

اتحادیه‌های کارگری منابع انفرادی و یا دسته جمعی کارگران را در تمام مجامع مربوطه مخصوص در رابطه با دستمزد، یعنی آموزش حرفه‌ای، استخدام شرایط استخدامی و اخراج، نمایندگی می‌کنند.

هیچ تبعیض نباید بین اتحادیه‌های کارگری توسط مقامات دولتی در رابطه با نمایندگیشان، تشریح گردد. اتحادیه‌های کارگری حق دارند بخاطر خصلت نمایندگی اتحادیه‌ای خود در کارهای مربوط به خود شرکت کنند. اگر قرار باشد فقط یک سازمان انتخاب شود چنین حتی به آنکه بیشترین نمایندگی را داراست تعلق دارد.

آنها حق دارند که در اداره و تعیین خط مشی سازمان‌های تأمین اجتماعی و یا هر سازمان دیگر که به مسائل اجتماعی ارتباط دارد، شرکت کنند.

آنها حق دارند برای دفاع از حقوق کارگران به دادگاه بروند. سازمان‌های اتحادیه‌های کارگری باید در تمام مسائلی که مستقیم و یا غیرمستقیم به آنها مربوط است، خصوصاً در تنظیم قوانین و آس‌نامه‌ها، مورد مشورت قرار گیرند.

۴- حق اعتصاب

حق اعتصاب یک حق اساسی کارگر است. هر کارگر، صرف‌نظر از حرفه‌اش، حق دارد بدون هیچگونه محدودیتی به عمل اعتصاب متوسل شود. کارگران و سازمان‌های اتحادیه کارگری حق دارند عمل اعتصاب را سازمان دهند و یا حمایت کنند.

سازمان‌های یک اعتصاب و شرکت در یک اعتصاب و یا نظرات همبستگی، نباید تحت هیچ شرایطی باعث تنبیه، جریمه یا هر عمل توبیخی دیگر، چه قبل، چه در اثنا و چه بعد از اعتصاب گردد.

۵- فعالیت بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری

سازمان‌های اتحادیه کارگری حق دارند به سازمان‌های بین - المللی اتحادیه کارگری، به انتخاب خود و براساس خواسته‌های آزادانه ابراز شده اعضای خود بپیوندند.

سازمان‌های اتحادیه کارگری حق دارند در فعالیت‌های بین - المللی اتحادیه‌های کارگری شرکت کنند، سازمان‌های بین‌المللی اتحادیه کارگری همکاری کنند و کار مشترک انجام دهند و با کارگران و اتحادیه‌های کارگری سایر کشورها همبستگی اعلام کنند. آنها حق دارند جلسات و کنفرانس‌های اتحادیه کارگری بین‌المللی تشکیل دهند.

سازمان‌های اتحادیه کارگری حق دارند با سازمان‌های اتحادیه کارگری بین‌المللی یا خارجی، بدون هیچ محدودیتی، نماینده مبادله کنند. بدین منظور در صورت لزوم به نمایندگان آنها گذرنامه و ویزا داده خواهد شد.

سازمان‌های بین‌المللی اتحادیه کارگری حق دارند که با سازمان‌های کارگری همه کشورها روابط همبستگی برقرار کنند. آنها حق دارند با سازمان‌های اتحادیه کارگری علامتند توافق کنند که برای آنها نماینده یا نشریه بفرستند. همچنین آنها حق دارند جلسات و کنفرانس‌های بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری را در کشورهای مربوطه ترتیب دهند و همبستگی و کمک متقابل بین‌المللی را سازمان دهند. آنها حق دارند از سازمان‌های اتحادیه کارگری ملی و یا محلی حق عضویت دریافت کنند.

تمام کارگران باید از حقوق مندرج در این منشور استفاده برند، بدون اینکه تبعیضی از نظر حرفه، تخصص، سن، جنس، نژاد، رنگ، ملیت، کاست، زبان، عقیده سیاسی و یا اعتقادات مذهبی وجود داشته باشند.